

بررسی روند قاعده سازی در حقوق بین الملل از حالت عرفی به قراردادی

مهرداد نوری^۱

دکتر سید باقر میرعباسی^۲

دکتر عبدالنعیم شهریاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲

چکیده:

حقوق بین الملل به طور روزافزون در حال انتقال از ساختار سنتی رابطه بین دولتها و تحدید صلاحیت آنها به مرحله توسعه قواعد اساسی درباره مسائل مربوط به منافع عموم است. این منافع برای رشد جامعه بین المللی و رفاه فردی شهروندان هریک از دولتها ضروری هستند. همچنین می‌توان دریافت که در نتیجه این انتقال، موضوع حقوق بین الملل به طور فزاینده به روابط چندگانه افراد، سازمانها و شرکتهایی مربوط می‌شود که در صدد برقراری قواعد و مقررات حقوقی مناسب در سطح بین المللی می‌باشند. درباره همین تغییر موضوع حقوق بین الملل از حالت قواعد سنتی روابط دیپلماتیک بین دولتها به حالت یا مرحله حقوق بین الملل جدید، حقوقدانان دیگری هم اظهار نظر کرده‌اند و از جمله فردریک فون آزبک بر شش عامل به عنوان مهمترین عوامل مؤثر در رشد حقوق بین الملل تأکید دارد.

کلیدواژه: قاعده سازی، حقوق بین الملل، عرفی، قراردادی

۱ پژوهشگر حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق، واحد بین الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (دانشجوی دکتری تخصصی)

۲ استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (استاد راهنما)

۳ استادیار گروه حقوق، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (استاد مشاور)

در مقاله حاضر به بررسی تغییر روند قاعده سازی در حقوق بین الملل از حالت عرفی به قراردادی پرداخته ایم.

روند حقوق عرفی بیش از پیش به نفع حقوق قراردادی در حال واپس گرایی است، اگرچه که حقوق بین الملل قراردادی همواره به شکل عهدنامه هایی تهیه و تنظیم می شوند که بدون موافقت قبلی کشورها علیه آنها قابل اجرا نخواهد بود. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری که اعلام کننده منابع شکلی حقوق بین الملل می باشد به ترتیب معاهدات عام و خاص و عرف عام و سپس اصول کلی حقوقی را به عنوان معیارهای حقوقی شناخته که می توانند مستند احکام دیوان بین المللی دادگستری قرارگیرند. اهمیت پژوهش زمانی بیشتر شده است که اقوام و ملل جهان به سرعت گسترده شده است و برای ادامه حیات مسالمت آمیز بشر لازم است که کلیه ای اصول و قوانین بین المللی را از سطح عرفی و عمومی به سطح قراردادی و مستند ارتقاء دهیم. در قرن معاصر به دلیل گسترش اختلافات و جنگ های دنیا، لازم است که همه قوانین به صورت قراردادی مکتوب گردد. بنابراین لازم است که مباحث مربوط به این مهم توسط دانشجویان و دانش-پژوهان مورد پژوهش و بررسی واقع گردد.

قواعد سنتی با دارا بودن چنین خصلتی در عین حال آثار ناشی از حاکمیت ملی را نیز محدود می کنند و در ضمن، احترام دولتهای دیگر را نیز برای رعایت و حفظ این آثار جلب می نمایند؛ مانند تعیین حدود آبهای ساحلی و فلات قاره از نظر حقوقی، صلاحیت ملی در دریاهای آزاد، حاکمیت ملی در فضا، حق ویژه برای جبران خسارت به وجود آمده در حوزه صلاحیت دولت نسبت به منافع شخصی و مالی اتباع بیگانه و مانند این موارد که عموماً تحت عنوان حقوق بین الملل سنتی مطالعه می شوند. شایان ذکر است که منابع عمده حقوق بین الملل سنتی عرف و معاهدات هستند. برخلاف حقوق بین الملل سنتی، حقوق بین الملل جدید یا حقوق بین الملل توسعه به تدوین و اجرای طرحها و فعالیتها مشترک در حوزه فوق ملی؛ منطقه ای یا در مقیاس چند ملیتی مربوط می شود و مقصود از این گونه فعالیتها تأمین رفاه انسان در چارچوب «بنیادهای جهان سرمایه داری» است. مسائل و مواردی که برحسب تغییر زمینه های اقتصادی و اجتماعی بویژه در دوره پس از جنگ جهانی دوم پدید آمده اند، آنجا که جنبه های حقوقی آنها در سطح جهانی مطرح باشند به حقوق بین الملل جدید مربوط می شوند. مسائلی مانند حقوق انحصاری ماهیگیری در آبهای ساحلی یا رقابت در آبهای آزاد، برحسب حقوق بین الملل جدید می توانند به صورت اقدامات مشترک

دولتها به منظور حفظ مناطق تولید مثل و صیدهای حساب شده درآیند؛ یا پرتاب سفینه‌های ماه‌نشین از طریق ایجاد پایگاههای هوایی و از راه همکاری‌های مشترک دولتها تسهیل گردند؛ یا مؤسسه قضایی ویژه‌ای تأسیس شده و صلاحیت رسیدگی به جرایم صورت گرفته در دریاهاى آزاد را، به رغم ادعاهای ملى انحصاری، برعهده گیرد؛ یا مهمتر از همه، حق مطلق آغاز جنگ به منظور پیگیری و تأمین منافع ملى، به واسطه حقوق بین الملل جدید از طریق سازمانهای بین المللی به خاطر امنیت بین المللی محدود گردد که نشانه‌ای از این اقدام و حرکت را، هرچند ناقص، در میثاق جامعه ملل و منشور سازمان ملل متحد و نیز در قطعنامه ۳۳۱۴ در مورد تعریف تجاوز می‌توان یافت.

ترتیب و توالی احکام دیوان بین المللی در ماده ۳۸ از یک سو و قید عبارت "احترام به تکلیف ناشی از معاهدات" و سایر منایع حقوق بین الملل در مقدمه منشور ملل متحد از سوی دیگر موجب گردیده تا برخی از علمای حقوق بین الملل متقاعد گردند که عرف منزلتی دون معاهده یا قرارداد دارد و در نتیجه از اهمیت و ارزش پایین تری برخوردار است هر چند چنین برداشتی محل بحث و جدل است زیرا برخی نیز بر این باورند که در حقوق بین الملل موضوعه میان منایع شکلی سلسله مراتب وجود ندارد بنابراین عرف و قرارداد هرکدام برای خود نهادی مستقل هستند و نمی‌توان برای آنها تقدم و تاخر اعتباری قائل گردید.

با این حال در اکثر موارد رویه معمول در دیوان این است که اگر معاهده یا قرارداد قابل اجرایی حاکم بر روابط طرفین اختلاف باشد تنها با آن معاهده توجه می‌کند و عرف موجود را در نظر نمی‌گیرد. با در نظر گرفتن منایع اصلی حقوق بین الملل معاهده به طور روز افزونی نقش عرف را محدود کرده است و امروزه در برخی موارد در حال اضمحلال است و در برخی دیگر جای خود را به تدریج به قواعد قراردادی داده است از جمله در زمینه حقوق جنگ و حقوق دریاها و آیین فیصله مسالمت آمیز اختلافات بین المللی وابسته به حقوق قراردادی است بعلاوه در بیشتر موارد صلاحیت های کشورها در تمام زمینه ها از طریق معاهدات و قراردادها محدود شده‌اند. از جمله موارد مبهم و مجهول تحقیق این است که آیا همچنان عرف همچون زمانهای قدیم در توسعه حقوق بین الملل عمومی نقش موثری را ایفا می‌کند یا این که در عصر حاضر شاهد غلبه معاهده بر عرف هستیم و رویکرد امروزه جامع بین المللی در راستای نقش‌دهی موثری به نهاد معاهده در توسعه حقوق بین الملل است؟ هدف از این تحقیق این است که بررسی مقایسه‌ای در خصوص نقش نهادهای عرف و معاهده در توسعه حقوق بین الملل به عمل آید و رویکرد غالب جامعه بین الملل به هرکدام از این نهادها بررسی شود

و مشخص گردد که کدام یک از این نهادها در توسعه کنونی حقوق بین الملل نقش موثرتر و پررنگ تری ایفا کرده است و یا خواهد کرد؟

انجام تحقیق شامل اختلاف نظرها و خلاءهای تحقیقاتی موجود، میزان نیاز به موضوع، فواید احتمالی نظری و عملی آن و همچنین مواد، روش و یا فرآیند تحقیقی احتمالاً جدیدی که در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد:

در خصوص اهمیت و ارجحیت قرارداد یا معاهده بر عرف و یا برعکس دو دیدگاه مختلف وجود دارد عده‌ای بر این عقیده‌اند که روند عرف هرچه پیش از پیش به نفع حقوق قراردادی در حال واپس‌گرایی است. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری که همواره اعلام کننده منابع شکلی حقوق بین الملل می‌باشد، به ترتیب، معاهدات عام و خاص و عرف عام و سپس اصول کلی حقوقی را به عنوان معیارهای حقوقی شناخته است ترتیب ذکر توالی منابع حقوق موجب گردیده که برخی از علمای حقوق بین الملل معتقد گردند که عرف منزلتی دون معاهده دارد و در نتیجه از اهمیت و ارزش پایین تری برخوردار است. این در حالی است که برخی دیگر از علمای علم حقوق بین الملل معتقدند که چنین برداشتی صحیح نیست زیرا در حقوق بین الملل موضوعه میان منابع شکلی سلسله مراتب وجود ندارد. بنابراین عرف و معاهده هرکدام برای خود نهادی مستقل هستند و نمی‌توان برای آنها تقدم و تاخر قائل شد. ما در این تحقیق برآنیم که صحت و سقم هر یک از این دیدگاهها را مورد بررسی و کنکاش قراردیم چیزی که تاکنون تحقیق موجزی در این خصوص هنوز انجام نشده است و روندی که هم اکنون توسعه حقوق بین الملل طی می‌کند را بررسی نمائیم که به کدام سو در حال حرکت است و آیا این حرکت توسعه ای در راستای تقویت نقش معاهدات بعنوان منبع اصلی حقوق بین الملل است یا این که عرف چنین نقشی را ایفا خواهد کرد. با بررسی منابع و مقالات منتشر شده در این خصوص به این واقعیت می‌توان دست یافت که یک خلا تحقیقاتی در این باب در کشور احساس می‌شود و علمای علم حقوق بین الملل کشور کمتر در این باب قلم فرسایی کرده‌اند و کمتر در این مبحث بنیادین علم حقوق بین الملل ورود پیدا کرده‌اند و کتب کمی به چاپ رسیده است و همین امر ضرورت بحث و تحقیق در این خصوص را توجیه می‌کند.

عوامل مهم در تحول و توسعه معاهدات بین المللی

مهم‌ترین عوامل تحول و توسعه معاهدات در نیمه دوم قرن بیستم میلادی را می‌توان به شرح زیر خلاصه و بیان نمود:

بعد از جنگ جهانی دوم یکی از مهم‌ترین اهداف پیش‌بینی شده در منشور سازمان ملل متحد، «حفظ صلح و امنیت جهانی» و «جلوگیری از تجاوز» است. وجود چنین اهداف حیاتی و نیز تلاش مستمر جامعه بین‌المللی در راه نیل بدان را می‌توان یکی از عوامل بسیار مؤثر در تحول و توسعه معاهدات در دنیای بعد از جنگ جهانی دوم دانست، زیرا به یمن وجود چنین اهدافی روابط مسالمت‌آمیز و جو همکاری بین دول و ملل به نحو بارزی افزایش یافته و موجب انعقاد معاهدات در همه شئون جامعه بین‌المللی گردیده است.

توسعه دامنه ارتباطات

بسط دامنه ارتباطات بر اثر پیشرفت علم و فن‌آوری بلا تردید یکی از عوامل بسیار مؤثر در این تحول و توسعه می‌باشد. شاید بتوان ادعا نمود که بشر نیم الی یک قرن اخیر به اندازه تمامی قرون و اعصار گذشته، شاهد پیشرفت علم و فن‌آوری بوده است و از رهگذر چنین تحولاتی دامنه نیازمندی و ارتباط بین کشورها افزایش یافته و ناگزیر کشورها از طریق انعقاد معاهدات دو جانبه و چندجانبه خاص و همه جانبه، سعی در برطرف نمودن نیازهای متقابل خود داشته‌اند.

تأسیس سازمان‌های بین‌المللی

در پنجاه سال گذشته با تأسیس انفجارگونه «سازمان‌های بین‌المللی» نقطه عطفی در تحول و توسعه معاهدات بین‌المللی ایجاد گردیده است، زیرا همان‌گونه که ملاحظه شد این‌گونه اشخاص بین‌المللی با احراز شخصیت حقوقی بین‌المللی از یک طرف و با ایجاد آیین و نظام خاص معاهده‌سازی از طرف دیگر، در جوار کشورها به تنظیم روابط بین‌المللی بین اعضا و حتی دول غیر عضو مبادرت نموده موجب شده‌اند تعداد بی‌شماری از معاهدات بین‌المللی به وجود آید.^۱

^۱ درحالی که وجود تعداد سازمان‌های بین‌المللی و انعقاد قراردادهای بین‌المللی به وسیله آن‌ها قبل از سال ۱۹۴۵ بسیار شاد و نادر بوده است. در این باره رک: B.Kasme, La Capite? De Lo?rgnisation Des N.U. De Conclure Traite?s, Paris, L.G.D.J., ۱۹۶۰. p.۸. و حتی شخصیت بین‌المللی این‌گونه

به هم پیوستگی فزاینده بین دولت ها و ابنای بشر، یکی از علل اصلی توسعه مفهوم معاهدات بوده است؛^{۷۵} یعنی معاهده مفهومی است که به تناسب میزان همبستگی بین دولت های مختلف، وحدت منافع کلی بین ابنای بشر و تلاش افراد گیتی در ایجاد فرهنگ و تمدن و افکار عمومی بین المللی، تحول، رشد و توسعه یافته است.

همبستگی بین دولت ها در روابط بین المللی اساساً از زمانی به وجود آمد که تغییر در مبانی قدرت و نفوذ هر یک، تعادل روابط ناشی از قدرت را در میان آنها برهم زد، به همین جهت، برای آنکه مبدا کشوری از لحاظ اقتصادی، سرزمینی و نظامی برتر از آنها شود و بتواند با تحمیل اراده اش بر دیگران به قدرتی جهانی مبدل گردد، میان آنها نوعی همبستگی فکری برای ایجاد تعادل در قدرت پدید آمد.

بررسی تلاش های انجام شده برای قانونمندی حقوق معاهدات

همان طور که ملاحظه شد، معاهدات کم و بیش در ادوار مختلف تاریخی وجود داشته، اما جامعه بین المللی از قانونمندی متحد الشكل و بهینه درباره معاهدات محروم بوده است که منشأ بروز بسیاری از اختلاف بین دول می گردید.

اولین تلاش در این زمینه در سطح جهانی، در زمان حیات جامعه ملل سابق صورت گرفت که به شکست انجامید. پس از پایان جنگ جهانی دوم، تلاش مجدد آغاز شد. اولین قدم ها، در کنفرانس سانفرانسیسکو هنگام تنظیم منشور ملل متحد برداشته شد. دومین گام، ایجاد کمیسیون حقوق بین الملل و تلاش های خستگی ناپذیر در صحن آن است و بالأخره گام های نهایی در کنفرانس سال ۱۹۶۹ وین برداشته شد.

کنفرانس سانفرانسیسکو و تلاش در جهت قانونمندی معاهدات

در اولین همایش های دهمبارتن اوکس، هم و غم اساسی قدرت های مشارکت کننده یعنی امریکا، انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی حفظ صلح و امنیت بین المللی بوده است نه اندیشه عدالت و حقوق بین الملل مطرح نبود. اما در همایش

سازمان ها، از جمله جامعه ملل مورد تردید بوده است. ر.ک. به توضیحات آقایان قضات Spender and Fitzmouis, in: *Affaires su-Ouest Africain, Rec. ۱۹۶۲, p. ۴۷۵, I?arret de La Cour, Rec. ۱۹۶۶, p. ۳۰.*

بعدی با پیشنهاد نماینده چین، این اصل مطرح و با اصلاحاتی به صورت دو پیشنهاد زیر صورت تحقق به خود گرفت: یک، حل و فصل اختلافات باید با رعایت اصول عدالت و حقوق بین الملل عملی گردد و دو، مجمع مأموریت خواهد داشت تا تحقیقات لازم را به منظور توسعه و تجدید نظر در قواعد و اصول موجود حقوق بین الملل را توصیه نماید. این پیشنهاد همراه سایر اصول و پیشنهادات قدرت‌های چهاگانه (امریکا، انگلیس، شوروی و چین) از همایش‌های دمبارتن اوکس به همایش سانفرانسیسکو ارائه گردید.^۲ در خلال مدت برگزاری اجلاس دمبارتن اوکس تا شروع همایش سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵، اصول و پیشنهادات مذکور مورد بررسی‌های کارشناسانه قرار گرفت و بالأخره بر اندراج پیشنهادات حقوقی در منشور سازمان جهانی آینده توافق شد و در نتیجه در منشور ملل متحد، به اصول عدالت و حقوق بین الملل و توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن تصریح گردید.^۳

محتوای منشور درباره حقوق بین الملل و امر تدوین و توسعه

در مقدمه منشور چنین آمده است که ما «مردم ملل متحد با تصمیم به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین الملل»، سازمان ملل را ایجاد می‌نماییم، سپس به موجب ماده ۱۳، منشور ملل متحد ابتکار انجام تحقیقات و صدور توصیه به منظور تشویق توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن را به مجمع عمومی محول نموده است.

کمیسیون حقوق بین الملل و تدوین حقوق معاهدات

کمیسیون حقوق بین الملل پس از تأسیس در سال ۱۹۴۷، از همان شروع اولین جلسه خود در ۱۲ آوریل ۱۹۴۹، به موجب ماده حرف «الف» بند ۱ ماده ۱۳ منشور ملل متحد، مأمور به حرکت درآوردن و توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن توسط مجمع عمومی بود و تا سال ۱۹۶۶ مسئله «تدوین حقوق معاهدات» را در صدر عناوین

^۲ ینگرید به آقای لیانگ مدیر مسئول بخش توسعه و تدوین حقوق بین الملل دبیرخانه سازمان ملل متحد Y.L.Liang, Le De?veloppement et La Codification Du Droit International R.C.A.D.I. Tome ۷۳.۱۹۴۸(II), p.۴۱۱-۴۱۲; cf, UNCIO, III, p.۲۴.

^۳ درباره مجموعه پیشنهادات و بحث‌ها که در کمیسیون‌ها و کمیته‌های مختلف کنفرانس سانفرانسیسکو راجع به موضوع به عمل آمده است. رک: UNCLC, VOL. III, Doc, ۱ et ۲; Vol, VIII, Doc, ۱۱۵۱; Vol, IX, Doc ۲۰۳.۴۱۶.۵۰۷.۵۳۶.۵۷۱.۷۹۲, ۷۹۵.۸۴۸; Y. Daudet, (Commentaire de L) Article ۱۳, Paraphe ۱(a), in: Cot et Pellet: La Charte Des Nu., Paris, Economica, ۱۹۹۵, p.۳۱۲; N.U: La Commissions Du Droit International Et Son Oeuvre, New York, ۱۹۸۹, ۴ e Ed., p.۴.

^۴ در باب تأسیس کمیسیون حقوق بین الملل در راستای به اجرا درآمدن ماده ۱۳ بند ۱ حرف «الف» منشور رک: سید باقر میرعباسی، حقوق بین الملل عمومی (تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶) ج اول

تدوینی^۵ خود داشت. در خلال این مدت، کمیسیون برای تهیه طرح کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات ۲۸۹ جلسه وقت صرف نمود.^۶ در این سال، کمیسیون با ارائه پیش‌نویس طرح معاهدات به مجمع عمومی همراه با یک پیشنهاد رسمی براساس حرف «د» بند اول ماده ۲۳ اساسنامه‌اش مبنی بر ضرورت تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار دول که به «کنفرانس ملل متحد راجع به موضوع، کار خود را تکمیل نمود.^۷ این پی‌گیری مجدداً مسبوق به یک سلسله مباحثات و گزارش‌های طولانی گزارشگران ویژه^۸ و جلسات پراکنده راجع به موضوع^۹ می‌باشد. به علاوه مجمع عمومی و دبیرخانه سازمان ملل با تهیه بسیاری از اسناد و مدارک ضروری نیز وقت زیادی را صرف تدوین حقوق معاهدات نموده است.

نتیجه‌گیری

برخی تحولات حقوق بین‌الملل عمومی

لازم است گزیده‌ای از تحولات سال ۱۹۹۵ در زمینه حقوق بین‌الملل عمومی را مورد بررسی قرار دهیم. خلاصه‌ای از تحولات پرونده‌های ثبت شده در دیوان بین‌المللی دادگستری، پیشرفتهایی که متعاقب تأسیس دو دیوان کیفری بین‌المللی ویژه تحت نظر سازمان ملل متحد در رابطه با یوگسلاوی سابق و رواندا به ترتیب در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ به عمل آمده و نیز فعالیتهای کمیسیون حقوق بین‌الملل ملل متحد مورد مطالعه قرار می‌گیرند. دیوان بین‌المللی دادگستری

^۵ درباره عناوین تدوینی که در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار داشت رک: همان‌در نتیجه کمیسیون مدت هفده سال صرف وقت نمود تا طرح حقوق معاهدات را مهیا نماید.

^۶ و البته این مقدار صرف وقت به جز اوقاتی است که گزارشگرهای ویژه صرف نموده‌اند و با مباحثاتی است که در صحن کمیسیون صورت پذیرفته و یا اوقاتی است که کمیسیون به منظور ایجاد قرابت نظریه‌ها و دیدگاه‌ها اختصاص می‌داده است.

۳۵. para ۱۷۷, p. ۱۹۶۶ (II), YBILC., (۸۶) cf.

^۷ ۳۵. para ۱۷۷, p. ۱۹۶۶ (II), YBILC., cf.

^۸ این گزارش‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: برای برلی ۱، برای برلی ۲، برای برلی ۳ و رزروهای برای برلی در فاصله بین سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۲؛ لوترپاخت ۱، لوترپاخت ۲ در فاصله زمانی ۱۹۵۳-۱۹۵۴؛ فیتز موریس ۱، فیتز موریس ۲، فیتز موریس ۳، فیتز موریس ۴، فیتز موریس ۵ در دوره ۱۹۵۶-۱۹۶۰؛ والداک ۱، والداک ۲، والداک ۳ برای اولین شور در سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۴؛ والداک ۴ و والداک ۵ و والداک ۶ برای شور دوم در سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۶۶. بین سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۶ بیش از هجده گزارش توسط گزارشگران ویژه ارائه شد که هفت گزارش توسط آقای والداک بود.

^۹ درباره متن مواد آزمایشی مصوب کمیسیون بین‌المللی سال‌های ۱۹۵۱-۱۹۵۹ براساس گزارش‌های برای برلی ۱ فیتز موریس ۱ بنگرید به سند - A/CN.4/۹۹: سال ۱۹۶۲؛ درباره گزارش راجع به رزرو در معاهدات چند جانبه مبتنی بر اساس گزارش برای برلی، رک: به گزارش برای برلی، سال ۱۹۵۱، فصل ۲؛ راجه به پاسخ کشورها به پرسشنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل نگاه کنید به سند: (۱۹۵۰) A/CN.4/۱۹. و همچنین راجع به قوانین و رویه‌های مربوط به انعقاد معاهدات، بنگرید به مجموعه قانون‌گذاری ملل متحد، سند (۱۹۵۳) ST/LEG/SER.B/3:

سال ۱۹۹۵ را که مصارف با پنجاهمین سال تأسیس این دیوان بود، با بررسی دوازده فقره پرونده ترافیعی و دو مورد نظریه مشورتی آغاز کرد. در بخش نخست که مربوط به این دیوان است، مختصری از موضوعات مطروحه در این پرونده‌ها، که مهمترین آنها عبارتند از: دعوی مربوط به صلاحیت ماهیگیری اسپاینا علیه کانادا و پرونده مربوطه به آزمایشات اتمی نیوزلند علیه فرانسه، و اقداماتی که در آنها به عمل آمده، بیان شده است.

کمیسیون حقوق بین الملل ملل متحد، که وظیفه‌اش تدوین و توسعه پیشروانه حقوق بین الملل است، در پنج موضوعی که در دستور کارش در این سال بود پیشرفت قابل توجهی داشت. این موضوعات عبارتند از: مسوولیت دولت؛ پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشر؛ مسوولیت بین المللی عواقب زیانبار ناشی از اعمالی که در حقوق بین الملل ممنوع نشده‌اند.

تحولات سال ۱۹۹۵ در زمینه حقوق بین الملل عمومی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، حداقل به دو دلیل تعیین محدوده این مقاله مشکل است. اولاً، تعیین مرز میان حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی تا حدودی که می‌توان از چنین محدوده‌ای گفتگو کرد، کاری دشوار است؛ موضوعات این مقاله تا اندازه‌ای تحت عنوان حقوق بین الملل عمومی قرار می‌گیرند، ثانیاً، اگر قلمرو مجزایی برای حقوق بین الملل عمومی قائل شد، مسلماً زمینه‌ای بسیار وسیع است.

دیوان بین المللی دادگستری

دیوان بین المللی دادگستری پنجاهمین سال تأسیس خود را (۱۹۹۵) با بررسی دوازده پرونده که در دفتر دیوان ثبت شده است، آغاز کرد که شامل ده پرونده ترافیعی و دو مورد نظریه مشورتی است، و دو دعوی ترافیعی جدید در سال ۱۹۹۵ نیز به آنها افزوده شد. در این بخش، مختصری از موضوعات مطروحه در پرونده‌ها (The International Court of Justice).

و اقداماتی که در آنها به عمل آمده است توضیح داده می‌شود.^{۱۰}

^{۱۰} - (استیفن سی مک کافیری-قاسمی، علی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۷۹: ۷۷)

ب. پرونده‌های ترافی

۱- تیمور شرقی

این دعوی در ۲۲ فوریه ۱۹۹۱، پرتغال به عنوان دلت اداره‌کننده تیمور شرقی در دیوان مطرح کرد. صلاحیت دیوان بر اعلامیه رضایت طرفین مبنی بر قبول صلاحیت اجباری آن بر اساس بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه استوار بود. پرتغال از دیوان درخواست کرد که موارد ذیل را به صورت حکم لازم الاجرا علیه دولت استرالیا اعلام نماید: وضعیت پرتغال به عنوان «دلت اداره‌کننده» تیمور شرقی مطابق قطعنامه‌های گوناگون شورای امنیت و مجمع عمومی؛ حقوق مردم تیمور شرقی به تعیین سرنوشت خود و تمامیت ارضی و یکپارچگی؛ حاکمیت دائمی بر ثروت و منابع طبیعی. همچنین پرتغال ادعا می‌کرد که استرالیا با انعقاد معاهده‌ای با اندونزی در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۹ که یک «منطقه همکاری» در حوزه فلات قاره بین استرالیا و تیمور شرقی که غنی از هیدرو کربن بوده و به عنوان گپ تیمور ۳ شناخته شده بود، تعهدات حقوقی بین‌المللی خود را نقض نموده است. به ادعای پرتغال موافقتنامه مذکور وضعیت پرتغال به عنوان دولت اداره‌کننده، و نیز وضعیت تیمور شرقی به عنوان سرزمین تحت قیمومت (بر اساس فصل یازدهم منشور ملل متحد) و حقوق مردم آن را محترم نشمرده است. استرالیا ایراد مقدماتی نکرد و ترجیح داد که ایرادات او ضمن تصمیم دیوان راجع به ماهیت دعوی اتخاذ گردد، جلسات استماع آن پرونده از ۳۰ ژانویه تا ۱۶ فوریه برگزار گردید.

دیوان در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۵ با چهارده رأی موافق در مقابل یک رأی مخالف ۴ اتخاذ تصمیم کرد و طی آن ایراد استرالیا مبنی بر اینکه اندونزی طرف غیر قابل اجتناب این دعوی بوده ولی در دادرسی حضور نداشته، پذیرفت. بنابراین،

دیوان (East Timor).

از اعمال صلاحیتی که به روشنی مطابق بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه از آن برخوردار بوده، خودداری ورزید. دیوان مقرر داشت که هر گونه اتخاذ تصمیم در این پرونده لزوماً مستلزم این تصمیم‌گیری است که آیا اندونزی صلاحیت انعقاد معاهده از جانب تیمور شرقی در رابطه با منافع فلات قاره را تحصیل نموده یا خیر؟ دیوان نظر داد بدون اینکه راجع به صلاحیت یا عدم صلاحیت اندونزی در انعقاد معاهده قضاوت شود، نمی‌توان در خصوص مشروعیت عمل استرالیا اتخاذ تصمیم نمود. معهداً دیوان نتوانست که راجع به مسأله‌ای که با اندونزی ارتباط داشت، تصمیمی اتخاذ نماید زیرا اساسنامه آن مقرر می‌دارد که بدون رضایت یک دولت، در این پرونده رضایت دولت اندونزی، دیوان نمی‌تواند اعمال صلاحیت کند.

همچنین پرتغال ادعا کرد که استرالیا تعهدات عمومی خود در مقابل تیمور شرقی را نقض کرده است و بنابراین حضور ادونزی در دیوان ضروری نیست. دیوان این استدلال پرتغال را رد کرد، اما حق مردم برای خودمختاری در مقابل دیگران ۵ را پذیرفت. دیوان تأکید کرد علی‌رغم خصوصیات ویژه تعهدات، باید در مورد تعهدات دولتی که در این پرونده طرف دعوی نمی‌باشد حکم بدهد؛ که دیوان این کار را نمی‌توانست بکند. از ۱۹۷۸ تا کنون این اولین پرونده‌ای است دیوان از اعمال صلاحیت خودداری کرده است.

۲- تعیین حدود دریایی و مسائل سرزمینی میان قطر و بحرین (قطر علیه بحرین) این اختلاف به حاکمیت بر جزایر خاص و مناطق کم عمق در خلیج فارس و سرانجام به تعیین حدود دریایی میان این دو کشور مربوط می‌شد.

در ۱۵ فوریه ۱۹۹۵، دیوان راجع به مسأله صلاحیت و پذیرش دعوی نظر داد، با اکثریت ده رأی موافق در مقابل پنج رأی مخالف، دیوان حکم داد که صالح به رسیدگی است و دادخواست قطر قابل قبول است. دیوان تصمیم اول ژوئیه ۱۹۹۴ خود را تأیید کرد که طی آن مقرر گردید، صورتجلسه دوحه ۷- که در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۵ در شهر دوحه توسط وزرای امور خارجه بحرین، قطر و عربستان سعودی («*erga omnes*»- اصطلاح لاتین است و به «در مقابل دیگران» یا «در مقابل همه» تعبیر شده است. م.^{۱۱}

(۶)- See Perter Bekker, East Timor) cae Note(, ۰۹A.J.I.L., ۴۹) ۶۹۹۱

۳- حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ (صلاحیت) (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده)

در زمان جنگ ایران-عراق ناویواس اس وینسینس ۹ ایالات متحده، به این باور که مورد حمله هواپیمای دشمن قرار گرفته است، هواپیمای مسافربری ایران را در ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ در خلیج فارس سرنگون کرد. جمهوری اسلامی ایران این دعوی را در ۱۷ مه ۱۹۸۹ متعاقب همین حادثه علیه ایالات متحده، مطرح نمود. جمهوری اسلامی ایران از دیوان درخواست کرد که به موضوع رسیدگی و اعلام کند که تصمیم مورخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ شورای سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری ۱۰ نادرست بوده؛ و ایالات متحده مواد (۱)، (۲)، (۱) کنوانسیون مونترال راجع به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری ۱۱ ۱۹۷۱ را نقض کرده است و ایالات متحده ملزم است به میزانی که دیوان تعیین می کند غلامت به ایران بپردازد. ایالات متحده نسبت به صلاحیت دیوان ایراد کرد. نامه مورخ ۸ اوت ۱۹۹۴، طرفین به دیوان اطلاع دادند که آنها از طریق مذاکره در صدد حل و فصل اختلاف هستند و از دیوان درخواست کردند جلسه استماع را به تعویق بیندازد و متعاقباً طی نامه مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۶، طرفین به دیوان اطلاع دادند که توافق کرده اند پرونده متوقف شود، و دولتین موافقتنامه ای در حل و فصل نهایی و کامل پرونده منعقد نمودند. در نتیجه دیوان پرونده را از فهرست پرونده های خود خارج کرد.

۴- مسأله تفسیر و اعمال کنوانسیون مونترال ناشی از حادثه هوایی در لاکربی ۱۳ (لیبی علیه انگلستان؛ لیبی علیه ایالات متحده).

لیبی این پرونده ها را در ۳ مارس ۱۹۹۲ ثبت کرد. این پرونده ها پس از سقوط پرواز ۱۰۳ پان امریکن مطرح شدند. در رابطه با این حادثه، ایالات متحده و انگلستان دو لیبایی را متهم کردند. شورای امنیت ملل متحد از لیبی خواست که دو تبعه مورد نظر را استرداد کند، گر چه معاهده استرداد میان لیبی و این دو کشور وجود ندارد. لیبی ادعا کرد که بر اساس کنوانسیون مونترال ایالات متحده و انگلستان خوانندگان مناسبی در نزد دیوان هستند و تحریم اقتصادی اعمال شده توسط شورای امنیت و نیز سایر فعالیتها ناقض حقوق بین الملل است. در ۴ آوریل ۱۹۹۲، دیوان با یازده رأی موافق و چهار رأی مخالف از صدور اقدامات موقت در این پرونده ها خودداری نمود.

۵- تعیین حدود دریایی میان گونیا-بیسا ۱۴ و سنگال (گونیا-بیسا علیه سنگال) در ۱۲ مارس ۱۹۹۲، گونیا-بیسا این پرونده را برای تعیین مرز دریایی میان این دو کشور در دیوان مطرح کرد. در اوایل ۱۹۹۱، دیوان حکم داد که رأی داوری صادره در اختلاف مربوطه معتبر بوده است. در ۱۹۹۴، طرفین متن موافقتنامه همکاری را که آنها در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۳ منعقد نمودند، به دیوان ارائه کردند. ماده (۱) موافقتنامه مزبور استخراج مشترک از منطقه دریایی خاص را مقرر داشته و نیز در ماده (۴) آن نمایندگی بین المللی برای استخراج از منطقه مربوطه پیش‌بینی شده است. در ۱۴ نوامبر ۱۹۹۵، دیوان توقف رسیدگی به این پرونده با رضایت طرفین را اعلام کرد، و طی دستور ۸ نوامبر ۱۹۹۵ آن را از فهرست پرونده‌های خود خارج نمود.^{۱۲}

۶- سگوهای نفتی (صلاحیت) جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده

این دعوی را در ۲ نوامبر ۱۹۹۲، جمهوری اسلامی ایران در دیوان مطرح کرد. با این ادعا که انهدام سه سگوی نفتی ایران در خلیج فارس در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ توسط کشتیهای جنگی ایالات متحده، عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان دو دولت و نیز حقوق بین الملل عام را نقض کرد. ایران ادعا کرد که ایالات متحده ملزم به جبران خسارات وارده به سگوی منهدم شده است. ایالات متحده نسبت به صلاحیت دیوان ایران مطرح کرد و ایران به این پاسخ داد. جلسه استماع در خصوص مسأله صلاحیت ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۶ تعیین گردید.

۷- اعمال کنوانسیون راجع به منع و مجازات جرم نسل کشی ۱۵ (بوسنی هرزگوین علیه یوگسلاوی

در ۲۰ مارس ۱۹۹۳، بوسنی علیه یوگسلاوی (صرب و مونتنیگرو) اقامه دعوی کرد و از دیوان درخواست نمود تا اعلام نماید که دولت یوگسلاوی کنوانسیون راجع به منع و مجازات جرم نسل کشی، برخی درخواست صدور اقدامات موقت حفاظتی را کرد و دیوان بر اساس ماده ۴۱ اساسنامه خود آن را صادر نمود. دیوان اعلام کرد که هر دو طرف باید از ارتکاب جرم نسل کشی جلوگیری کنند. در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۵، یوگسلاوی ایرادات مقدماتی نسبت به صلاحیت

^{۱۲} - استیفن سی مک کافیری - قاسمی، علی دیدگاه های حقوق قضایی، ۱۳۷۹: ۸۸

دیوان مطرح کرد. دیوان متعاقبا ۱۴ نوامبر ۱۹۹۵ را به عنوان تاریخ ارائه مدارک و لوائح کتبی توسط بوسنی و هرزگوین تعیین نمود.

۸- پروژه (Gabcikovo-Nagymaros) مجارستان علیه سلواکی

طرفین این دعوی را طی موافقتنامه ویژه‌ای که در ۲ ژوئیه ۱۹۹۳ مشترکا به اطلاع دیوان رساندند، مطرح کردند. دعوی مربوط می‌شود به اجرا و شروع به فسخ معاهده راجع به احداث و عملیات سیستم Gabcikovo-Nagymaros Barrage که در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۷ در بودا پست به امضا رسید. ۱۶ معاهده مزبور به احداث چند سد بر روی رودخانه دانوب برای کنترل سیل، توسعه دریانوردی و تولید برق مربوط می‌شود. از اواخر ۱۹۹۲ سد Gabcikovo بر روی کانال فرعی در سلواکی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. سد Nagymaros در جایی که رودخانه دانوب کاملا در خاک مجارستان واقع شده، احداث نگردیده است. ارائه مدارک کتبی با ثبت دادخواست و لایحه دفاعیه توسط طرفین در ۱۹۹۵ به پایان رسید، ولی تاریخ جلسه استماع هنوز تعیین نشده است.

۹- مسأله مرز زمینی و دریایی میان کامرون و نیجریه (کامران علیه نیجریه)

متعاقب اشغال شبه جزیره Bakassi توسط نیجریه، کامران این دعوی را در ۱۲ مارس ۱۹۹۴ در دیوان مطرح کرد. کامران از دیوان درخواست نمود که راجع به مرز دریایی میان این دو کشور اتخاذ تصمیم کند و نیز حضور نظامی نیجریه در شبه جزیره Bakassi را غیر قانونی اعلام نماید. در ۱۲ فوریه ۱۹۹۶، کامران با عطف به «حوادث ناگواری که میان نیروهای نظامی طرفین از ۳ فوریه ۱۹۹۶ در شبه جزیره مذکور اتفاق افتاده...» از دیوان تقاضا کرد تا اقدامات موقتی در این پرونده صادر نماید. در ۱۵ مارس ۱۹۹۶، دیوان دستوری صادر کرد و طی آن خاطر نشان ساخت که طرفین باید تضمین کنند اقدامی «که ممکن است حقوق طرف دیگر را صرفنظر از اینکه رأی دیوان در پرونده چه باشد، خدشه‌دار نمودار یا اختلاف مطروحه در نزد دیوان را وخیم‌تر و یا دامنه گسترش آن را وسیع‌تر کند...»^{۱۷} انجام نگیرد.^{۱۳}

۱۰- صلاحیت ماهیگیری (صلاحیت) (اسپانیا علیه کانادا)

^{۱۳} -ستیفن سی مک کافیری-قاسمی، علی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۷۹: ۹۰

در ۲۸ مه ۱۹۹۵، اسپانیا دادخواستی که علیه کانادا در دیوان به ثبت رساند، و طی آن از دیوان درخواست نمود تا اعلام نماید که بازدید کشتی ماهیگیری با پرچم اسپانیا در دریای آزاد توسط قایقهای گشتی و کشتی کارد ساخلی کانادا در ۹ مه ۱۹۹۵ و نتیجتاً بازداشت پرسنل کشتی اسپانیایی ناقض حقوق بین الملل است. اسپانیا صلاحیت را اعلامیه قبولی صلاحیت اجباری دیوان از سوی کانادا طبق بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه قرار داد. اسپانیا ادعا کرد که قانون حمایت از ماهیگیری ساحلی کانادا، اصلاحی ۱۹۹۴، تا آنجا که ادعا می‌شود این قانون بر کشتیهای حامل پرچم خارجی ماورای ۲۰۰ مایلی منطقه اقتصادی انحصاری کانادا صلاحیت دارد، در خصوص اسپانیا قابل اعمال نیست. همچنین اسپانیا از دیوان درخواست کرد که کانادا باید خسارات وارده به آن کشور را جبران نماید.

۱۱- درخواست بررسی وضعیت مطابق بند ۶۳ رأی مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۴ دیوان در رابطه با پرونده آزمایشات اتمی (نیوزلند علیه فرانسه)

این درخواست را نیوزلند در ۲۱ اوت ۱۹۹۵ در دیوان به ثبت رساند. در رأی ۱۹۷۴ مربوط به پرونده‌های آزمایشات اتمی (استرالیا علیه فرانسه؛ نیوزلند علیه فرانسه)، دیوان در رابطه با ادعاهای نیوزلند و استرالیا، مبنی بر اینکه فرانسه با اجرای آزمایشات اتمی جوئی در اقیانوس آرام حقوق بین الملل را نقض کرد، حکم داد که: «هیچ اعتراضی (اگر بوده) نسبت به بیانیه‌های عمومی دولت فرانسه مبنی بر قصد انجام آزمایشات اتمی، وجود نداشت. ۱۸ در بند ۶۳ رأی مذکور، دیوان مقرر داشت که رأی خود را بر تعهد دولت فرانسه در پایان دادن به آزمایشات، استوار کرد.

منابع و مأخذ

- ۱- استیفن سی مک کافیری-قاسمی، علی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۷۹.
- ۲- الماسی، نجادعلی تعارض قوانین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی. ام. گوود، روی ۱۳۶۸
- ۳- عرف و پذیرش آن در حقوق بازرگانی فراملی، ترجمه حمیدرضا علومی یزدی، مجله حقوقی، شماره سی و ششم، خمامی زاده، فرهاد، ۱۳۸۶
- ۴- درآمدی بر روند یکسان سازی وحدت حقوق خصوصی، مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره نهم و دهم. داراب پور، مهراب ۱۳۸۲

- ۵- تفسیری بر حقوق بیع بین المللی: کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، تهران، انتشارات گنج دانش شاپیرا، ژان ۱۳۷۴
۶. (حقوق بین الملل بازرگانی، ترجمه دکتر ربیعا اسکینی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی شیروی، عبدالحسین، ۱۳۷۱
- ۷- (حقوق تطبیقی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها سمت. کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۷
- ۸- قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان. کدخدایی، عباس ۱۳۸۴
- ۹- ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی، تهران، نشر میزان. نوری، محمدعلی ۱۳۸۰
- ۱۰- اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی (تدوین: موسسه بین المللی وحدت حقوق خصوصی رم)، تهران، کتابخانه گنج دانش. ۱۳۷۸
- ۱۱- ارسطو، سیاست، ترجمه دکتر حمید عنایت (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸).
- ۱۲- مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی (۵۵۹ قبل از میلاد تا ۱۹۴۲ میلادی برابر با ۱۳۲۰ شمسی)، گردآوری ع. وحید مازندرانی (انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰)
- ۱۳- سید باقر میر عباسی، حقوق بین الملل عمومی (تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶) ج ۲
- ۱۴- محمد حمید الله، نامه‌ها و پیامهای حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، ترجمه دکتر سید محمد حسینی (تهران، سروش، ۱۳۷۴)،
- ۱۵- مجید خدوری، جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه سید غلامرضا سعیدی (تهران، اقبال و شرکاء، ۱۳۳۵)
- ۱۶- ترمینولوژی حقوق بین الملل (سیری، ۱۹۶۰).
- ۱۷- غلامرضا علی بابائی، فرهنگ علوم سیاسی (تهران، شرکت نشر و پخش ویس، ۱۹۶۹) کتاب اول.
- ۱۸- آنتونیو کاسسه، حقوق بین الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان (تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۷۰).
- ۱۹- سید باقر میرعباسی «حقوق سازمان‌های بین المللی» مبحث جامعه ملل.
- ۲۰- محمد علی حکمت، حقوق عام ملل (تهران، انتشارات شرکت سهامی چهار، ۱۳۳۱)
- ۲۱- مجموعه قوانین بین المللی کار (۱۹۳۹) (سازمان بین المللی کار، ۱۹۴۱).

۲۲- شارل روسو، حقوق بین الملل عمومی، ترجمه محمد علی حکمت (۱۳۷۰) ج ۱، چهل و هشتمین گزارش سالیانه

کمیسیون حقوق بین الملل، ص ۱۱۷۴-۱۴۴

۲۳- سازمان ملل. مجموعه معاهدات، ج ۱۱۱۵، ص ۳۳۱ و مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، سال ۱۳۶۶، ج

۸

۲۴- سید باقر میرعباسی، حقوق بین الملل عمومی (تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶) ج اول

۲۵- ایو دوده، تغییر ماده ۱۳، بند ۱، حرف «الف» منشور در: پیرکت و آلن پلت، شرح و تفسیر مواد منشور،

۲۶- دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، چاپ هشتم، تهران، گنج دانش.

تأملی بر عرف بین المللی، ترجمه دکتر اردشیر امیر ارجمند، مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه

شهید بهشتی، ش ۴۱-۳۱، از پاییز ۲۷ تا تابستان ۳۷، ص ۷۶۳-۸۶۳.

۲۷- مبنای تئوری، آنزیلوتی، دروس حقوق بین الملل، چاپ سوم، رم، ۱۹۲۸.

۲۸- ک. آ. کلیار، نهادها روابط بین الملل، چاپ ششم.

۲۹- دکتر سید علی هنجنی، «تحولات پیدایش عرف» همانجا، صفحه ۲۲۴-۲۳۴.

۳۰- آرتور نوس بام «تاریخ مختصر حقوق بین الملل»، زیر نظر متین دفتری (بی تا).

منابع لاتین

۱- Arnold N. Pronto, ۲۰۰۸, Some Thoughts on the

Making of International Law, *The European Journal of International Law* Vol. 19 no. 3 ©

EJIL ۲۰۰۸; all rights reserved

۲-- Wang Tieya, *International Law in China: Historical and Contemporary Perspectives*,

R.C.A.D.I. Tome ۲۲۱, ۱۹۹۰ (II), p. ۲۱۲ et s; W.A.P. Martin, "Les Vestiges d un Droit

International Dans i ancienne Chine"Revue de Droit International et de Legislation Compare, Vol.XIV, ۱۸۸۲, P.۲۲۷-۲۴۲.

۲- H.Chattejee, International Law and Inter-State Relations in Ancient India, ۱۹۵۸; T.B. Mukerjee, Inter-State Relations in Ancient India, ۱۹۶۷; N.Singh, History of the Law of Nations Regional Development: South and South-East Asia, Encyclopedia of Public International Law, Vol.۷, p, ۲۳۷-۲۵۲.

۳- N.Singh, op.cit., p.۲۳۹; N Singh, The Machinery and Method for Conduct of Inter-State Relations in Ancient India, International Law at Ltime of Perplexity-Essays in Honour of SH.Rosenne, Martinous Nujhoff Publishers, ۱۹۸۹, p, ۸۵۲.

۴- Guggenheim, Contribuion a L"histoire Des Sources Des Du Droit Des Gens, R.C.A.D.I., Tome ۹۴(۱۹۵۸) p ۵۶ and Traite de Droit International Pulic, p ۱۱۷.

۵- A.S.EL-Kosheri, History of the Law of National Regional Developments: Islam, Encyclopedia of Public Interantional Law.(North Holland, ۱۹۸۴) Vol.۷, p.۲۲۶-۲۲۷.

۶- Cf.H.Otsuka, Japan"s Early Encounter with the Concept of the Law of Nations, Japanese Annual of International Law, Vol.۱۳, ۱۹۶۹, p.۶۵.

۷- cf.C.H.Alexanderowicz, Tready and Diplomatic Relatios Between European end South Asian Power in the XV II th and XVIII th.Centuries., R.C.A.D.I., Tome ۱۰۰, ۱۹۶۰, p۲۰۷ et s.

۸- cf.M.Lachs, Le Developpement et les Fonctions Des Traite Multilateraux, R.C.A.D.I.Tome ۹۲, ۱۹۵۷(II), p.۲۳۴-۲۳۵r.

۹- cf. Y.L. Liang, *Le Developpement et La Codification du Droit International*, R.C.A.D.I.

Tome ۷۳, ۱۹۴۸(II), p. ۴۲۲.

۱۰- H.V. Mangoldt and Others, *The United National System and its Predecessors* (Oxford

University Press, ۱۹۹۷) Vol. I, p. ۱۰۶۳-۱۱۰۴.

۱۱- M. Lachs, *Quelques Reflexions Sur La Communauté Internationale*, in *Melange*

M. VIRALLY, Paris, Pedone, ۱۹۹۱, p. ۳۵۵.

۱۲- cf. "Loeuvre De La Commission du Droit International" in: *Le Droit International a*

Laube du XIXe Siecle... op. cit., p. ۲۷, note ۵۸; cf. aussi: Knapp, *A Commentary of Article*

۱۰۲, in: B. Simma, *The Charter of the U.N.A Commentary* (Oxford University Press, ۱۹۹۵) p.

۱۱۱۳.

۱۳- cf. R.J. Dupuy, *A Handbook on International Law*, F. Ermaccora, M. Nowak, H. Treffer, *International*

Human Rights Documents (Vienna, Law Books in Europe, ۱۹۹۳) p. ۳۴۳.

۱۴- P. Reuter, *Introduction au droit des traités*, Paris, P.U.F. ۱۹۸۵, p. ۱۱ et s.

۱۵- cf. H. Mosler, *The International Society As A Legal Community*, R.C.A.D.I. Tome

۱۴۰, ۱۹۷۶ (IV) p. ۲۹.

۱۶- Y.L. Liang, *Le Developpement et La Codification Du Droit International*

R.C.A.D.I. Tome ۷۳, ۱۹۴۸(II), p. ۴۱۱-۴۱۲; cf. UNCIO, III, p. ۲۴.

۱۷- cf. UNCIO., Doc. ۵۰۷, *Proces-Verbal de La Dixieme Seance du Comité II/۲*, ۲۱ mai ۱۹۴۶,

۱۸- Sh.Rosenne, The Law of Treaties: A Guide to the Legislative History of the Vienna Convention (۱۹۷۰)

۱۹- YBILC. ۱۹۵۱ (II) p. ۱ et s; M.K.Nawaz, The International Law Commission's Views on the Subject of Reservations to Multilateral Conventions, I.J.I.L. ۱۹۶۰, p. ۱۰۰ et s; C.G Fenwich, et s; Ruda, Reservations to Treaties, R.C.A.D.I.T. ۱۹۶۶, p. ۱۴۸-۱۵۲.

۲۰- Yearbook of International Law Commission, Vol. ۲, ۱۹۵۶, p. ۱۰۷; I.Sinclair, The Vienna Convention on The Law on Treaties (۱۹۸۴) p. ۳.

۲۱- cf. A.K.EL Kadiri, La Position des Etats du Tiers Monde a La Conference de Vienn Sur Le droit des Traités, Robot, ۱۹۸۰.

۲۲- Y.Daudet, Note Sur l'Organisation et Les Methodes de Travail de La Conference de Vienne Sur Le Droit Des Traités, A.F.D.I., Vol. ۱۵, ۱۹۶۹, p. ۵۴ et s.

۲۳- jimenez de arechaga. "International law in the past third of a century", r.d.c., ۱۹۷۸-i . p. ۹
ss

۲۴- . lazarev, "international legal custom as a contemporary stage", a.j.i.l., ۱۹۷۹, p. ۵۱۱

۲۵- akademie der wissnschaften der udssr (rechtsinstitut). völkerrecht. berlin, ۱۹۶۰, p. ۵

۲۶- tunkin. "co-existence and international law", r.d.c., ۱۹۵۸-iii, p. ۱۳

۲۷- kelsen, general theory of law and state, cambridge (mass.), ۱۹۴۵, p. ۱۱۰ ss.; reine .

rechtslehre, ۲ e ed., wien, ۱۹۶۰, p. ۲۲۸ ss

۲۸- carrio, sobre los limites del lenguaje normativo, buenos aries, ۱۹۷۳

۲۹- droit commun"(scott,the hague court reports,new york,۱۹۱۶,t.i.p.۵۶۸;c.p.j.i.,serie " .(a.n۱۰,p.۲۷;serie b,n۱۶,p.۲۵;serie a/b,n۴۴,p.۲۳,serie a/b,n۶۱,p.۲۳۷

۳۰- customary international law"(c.i.j.,recueil ۱۹۸۲,p.۷۴;recueil ۱۹۸۵,p.۲۹;recueil " .(۱۹۸۶,pp.۲۷,۹۲,۹۳,۱۰۴,۱۰۵,۱۰۶ et ۱۳۷

۳۱- a well-established principle of law"(c.j.i.,recueil ۱۹۶۹,p.۳۱ "

۳۲- admettent,notamment.la creation d'une coutume au moyen d'abstentions:ballereau , op.cit.,p.۱۰۲ ss.dusberg,op.cit.,p.۱۰۶ ss.tammes,international publiekrecht

amsterdam,۱۹۷۳,p.۱۲.adehurst,op.cit.,b.y.b.,۱۹۷۴-۷۵,p.۱۰.rao,"international .

custom",i.j.i.l.,۱۹۷۹,p.۵۱۸

۳۳- de visscher,"la codification du droit international",r.d.c.,۱۹۲۵-i,pp.۳۶۵ et ۳۶۶

seferiades,"aperçus sur la coutume juridique international et notamment sur son . fondement",r.g.d.i.p.,۱۹۳۶,p.۱۸۹ ss

۳۴- de visscher,problemes d'interpre?ation judiciaire en droit international public .

paris,۱۹۶۳,p.۲۲۲ ss

۳۵-regles generalement appliquees"(c.p.j.i.,serie a,n۷,p.۲۲;serie a,n?۹,p.۲۷ "

۳۶-pollice,contributo alla teoria della consuetudine nel diritto internazionale,firenze .

۱۹۴۹.p.۱۴ cohen-jonathan,"la coutume locale",a.f.d.i.,۱۹۶۱,p.۱۳۱.reuter,op cit.,r.d.c.,۱۹۶-

ii,p.۴۶۵ des freiburg . i.br.۱۹۷۳,p.۱۱۰